

تأملی بر جلوه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه

محمود عباسی^۱

میثم کلهرنیا گلکار^۲

سیدمحمدعلی صدر طباطبایی^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه، حقوق شهروندی از دغدغه‌های اندیشمندان علوم اجتماعی و از موضوعات مؤکد جوامع مدنی است. نگرشی بر مقولات این حوزه، مبین این است که می‌توان به جای اتخاذ موضعی انفعالی و تکرار ادبیات سیاسی - اجتماعی غرب، با تقاعدی خاضعانه بر خوان فراخ شریعت، جلوه‌های راستین حقوق شهروندی را دریافت. این مختصر، شمایی از حقوق شهروندی در قرآن و نهج‌البلاغه را به قاب کلام می‌کشد تا شاید اندیشه پژوهندگان را به سمت جستارهای بیشتر و عمیق‌تر معطوف دارد. هدف این مقاله بررسی مفهوم شناختی شهروندی و ردپای آن در قلمرو قرآن و سنت است.

روش: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با اتکای به بررسی منابع اسلامی صورت می‌پذیرد.

یافته‌ها: در آیات قرآن و کلام معصومین ضمن تبیین قواعد کلی حقوق شهروندی، ساز و کارهایی در پیاده‌سازی و تبلور این حقوق در اجتماع طراحی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: به رغم ظاهر نوظهور اصطلاح حقوق شهروندی و توهم ابتدای آن بر آموزه‌های لیبرال، ابعاد مفهومی و ضرورت پاسداشت این حقوق، پیش از این با انسجامی بی‌بدیل در آموزه‌های اسلامی وجهه توجه و تأکید شارع قرار گرفته است. با نگاهی به قرآن و نهج‌البلاغه، ابعاد حقوق شهروندی و لزوم رعایت حقوق انسانی بدون اعمال ممیزاتی چون تیره و تبار و حتی مذهب (در قدر متیقنی از این حقوق)، به وضوح قابل مشاهده است. با وجود این، تحقق حقوق شهروندی مستلزم شناخت آحاد مردم

۱. دانشیار، رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: ma.tabatabaei.lawyer@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۰

اجتماع از کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و سیاسی خود می‌باشد. به نظر می‌رسد این مهم با اتخاذ راهبرد افزایش سطح آگاهی شهروندان و نهادینه‌سازی تدریجی اصول حقوق شهروندی از طریق آموزش‌های هدفمند و ایجاد انس با آموزه‌های قرآن و سیره معصومین (ع) ضمن کارگذاری بسترهای عمل به حقوق مزبور، در تمامی سطوح زندگی اجتماعی از سوی شهروندان، میسر خواهد گردید.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، فقه اسلامی، قرآن، نهج‌البلاغه

مقدمه

حقوق شهروندی از ضروریات جامعه مدنی است و شهروند از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی - سیاسی است که همواره در طول تاریخ راه پرفراز و فرودی پیموده و از طرف متفکران و صاحب‌نظران علاقمند به مسائل اجتماعی از ادوار باستان تاکنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است. در سال‌های اخیر مقوله حقوق شهروندی با حرارت بیشتری در محافل ملی و بین‌المللی، پیگیری می‌شود. با وجود این، در جوامع کنونی درک یکنواختی از مفهوم شهروندی و حقوق ناشی از آن شکل نیافته است به طوری که علی‌رغم اتحاد نظر در کلیات در هنگام مصداق‌نمایی، هر یک از مشارب فکری بنا به جهت‌گیری خود خوانشی افتراقی از حقوق شهروندی دارند. علاوه بر این، عناصر کنش‌گر جامعه مدنی نیز به تصویری صحیح از مفهوم حقوق شهروندی و مآلا ابعاد حق خویش در اجتماع نائل نگردیده‌اند.

حقوق شهروندی یکی از مباحث محوری حقوق معاصر می‌باشد که برخی از پژوهشگران، پیشینه آن را در اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر ردیابی می‌کنند و معتقدند برای تتبع در چیستی حقوق شهروندی، باید این مفهوم را در ادبیات حقوقی کشورهایی که داعیه رسیدن به بلوغ دموکراتیک را دارند، کنکاو نمود، اما مفاهیم حقوق شهروندی در معنای عام خود شاید از زمانی که انسان از شکل ابتدایی زندگی بیرون آمد، همواره مورد توجه بوده است. از این رو به نظر می‌رسد برای تعمق و تدبر در مورد گستره مفهوم حقوق شهروندی، باید به متون اصیل دینی مراجعه نمود.

بحث در مورد مفهوم شهروندی و حقوق ناشی از آن در قرآن و سنت از اهمیت خاصی برخوردار است. با مطالعه و مذاقه در قرآن و بررسی سیره و کلام معصومین و بزرگان دین رعایت حقوق شهروندی و حقوق انسانی بدون توجه به قوم، قبیله و مذهب کاملاً مشهود و به آن توصیه فراوان شده است و از نظر دین اسلام مورد توجه و تأکید واقع شده است. این در حالی است که عدم آگاهی از حقوق شهروندی سبب خلل در روابط و تعاملات و باعث ایجاد مشکلاتی در مشارکت می‌شود. بنابراین تا زمانی که مفهوم شهروندی و حقوق ناشی از آن و سیر تاریخی آن تبیین نگردد و افراد با حقوق واقعی خویش در خصوص شهروندی آشنا نگردند، نمی‌توان انتظار داشت که حقوق شهروندی به طور کامل مراعات گردد.

مفهوم شناختی شهروند و حقوق شهروندی

واژه Citizen در زبان انگلیسی، Citoyen در فرانسه و Polites در ادبیات یونانی، معادل همشهری و شهروند در زبان ادبیات فارسی قرار می‌گیرند (۱). شهروند در لغت به اهل یک شهر یا یک کشور گفته می‌شود، به معنای کسی که به شهری بند بوده است و در اثر سپری شدن زمان، (وند) جایگزین (بند) شده است (۲).

در فرهنگ اسلامی واژه «رعیت» از نظر مفهوم و بار سیاسی - حقوقی، از دیگر واژه‌ها به مفهوم «شهروند» نزدیک‌تر است. «رعیت» به معنای مسؤولیت حاکم در برابر مردم است (۳). در واقع رعیت کسی است که باید حقوقش رعایت شود. «رعیت» در زبان عربی بار مثبتی دارد، اما در نظام‌های سیاسی امروز ما، معنایی منفی به ذهن متبادر می‌نماید. و به کاربرد این واژه، شنونده را به یاد نظام‌های ارباب و رعیتی می‌اندازد. بنابراین مناسب‌ترین واژه در زبان فارسی به جای این واژه، واژه «شهروند» است (۳).

شهروندی بیان یک هویت مشترک است و شهروند به همه اعضای جامعه بزرگی اطلاق می‌شود که عنوان یک فرهنگ را به خود می‌گیرد و از این منظر می‌توان عنوان شهروندی را به همه قلمرو و یک تمدن و فرهنگ سوق داد (۴). مفهوم شهروند به صرف در کنار هم بودن انسان‌ها در کنار یکدیگر حاصل نمی‌شود، بلکه این مفهوم در چارچوب سرزمینی خاص در زمان معین و ذیل یک جامعه سیاسی برخوردار از قدرت عمومی شکل می‌گیرد که مبنا و مبدأ ظهور حقوق و برخورداری عادلانه اعضای جامعه از مزایا و امتیازات اجتماعی و همچنین تکالیف و تعهدات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای شهروندان جامعه سیاسی است. رابطه حقوق شهروندی یک رابطه دوسویه و حق و تکلیف‌مدار است، چراکه انسان یک موجود اجتماعی است و در پرتو این زندگی اجتماعی دارای حق و تکلیف خواهد بود. بر اساس این مفهوم شهروندی را باید حق افراد در مشارکت در امور سیاسی و تکلیف آن‌ها برای اجرای قوانین و مقررات دانست که افراد در یک جامعه سیاسی به واسطه عضویتشان در آن جامعه دارای حق و تکلیف مشارکت سیاسی هستند. در واقع شهروندی در کلیت خود متضمن دخالت مسؤولانه در روندهای اجتماعی است و از این منظر تعهدات پذیرفته‌شده در یک بستر اجتماعی خاص اعمال می‌شود. به عبارت دیگر شهروندی به مثابه یک موقعیت عضویت در اجتماع، استلزامات خاص خود را نیز در پی دارد که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است (۵).

مفهوم شهروندی دارای ماهیت انعطاف‌پذیر و پویا است و در گذر زمان تحولات بسیاری یافته است. به طور مثال عواملی نظیر: نژاد، دین، مذهب و زبان که در گذشته بسیار تعیین‌کننده در استقرار شهروندی بودند، امروزه در رابطه شهروندی میان فرد و دولت تأثیری ندارند. مفهوم شهروندی در دولت شهرهای یونانی پدید آمده است و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است (۶). در جمهوری‌های باستانی رم و یونان شهروند به کسی گفته می‌شد که دارای حق مشارکت در جامعه بود و به کسی که فقط ساکن شهر بود، اطلاق نمی‌شد؛ در واقع کلیه ساکنان، خصلت شهروندی را نداشتند. آن کسی شهروند به شمار می‌رفت که شرایط لازم برای مشارکت در اداره امور عمومی شهر را دارا می‌بود (۷). ارسطو در کتاب سیاست خویش اظهار می‌دارد که یک شهروند، شهروند نیست، بدان دلیل که در یک مکان خاصی زندگی می‌کند، چراکه بیگانگان مقیم و نیز بردگان نیز در آن وجود دارند. ارسطو بر آن بود که مشخصه ویژه (خاص) یک شهروند این است که وی در حکومت، اجرای عدالت و اداره امور عمومی دارای سهم و بهره‌ای می‌باشد (۸).

از سویی دیگر، حقوق شهروندی (Citizen Rights) مفهومی نسبتاً وسیع است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی می‌باشد. حقوق شهروندی، چگونگی روابط مردم و دولت و مؤسسات شهری، و حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر را تنظیم می‌نماید و به نوعی منشعب از حقوق اساسی در چارچوب قانون اساسی کشور است و به منظور رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه برقرار می‌شود (۹). در واقع حقوق شهروندی از طبیعی‌ترین حقوق انسانی می‌باشد که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی و به صرف این‌که از ملتی خاص باشند، دارای این حقوق بوده و دولت‌ها متعهد به تضمین و پاسداری آن می‌باشد.

ذیل فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در قالب ۲۳ اصل، حقوق ملت مورد اهتمام قانونگذار قرار گرفته است که خود واگوبنده جلوه‌هایی آشکار از حقوق شهروندی است، البته لازمه بهره‌مندی کامل از این حقوق داشتن تابعیت ایرانی، وفق ماده ۹۷۶ قانون مدنی است؛ چنین رویکردی به واسطه ریشه‌دار بودن حقوق شهروندی در یاخته‌های سیاسی و اجتماعی است، به طوری که گاه گفته می‌شود حقوق شهروندی، مبین رابطه بین فرد و دولت و

معرف عضویت سیاسی کامل اشخاص در یک دولت (تابعیت دائمی) می‌باشد. بنابراین حقوق شهروندی به نوعی، مبتنی بر تابعیت است.

در فرهنگ اسلامی از ابتدای تشکیل حکومت، حقوق شهروندان جامعه مورد توجه بوده است. وجود آیات و روایات بسیار در این خصوص و توجه پیشوایان دینی، به تنظیم روابط اجتماعی پیروان، همگی بر اهمیت این موضوع در دین مبین اسلام دلالت دارد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۵۳ که در سال ۳۸ هجری، با منصوب‌نمودن مالک اشتر به فرمانداری مصر همراه شده است، با رویکردی ممتاز، روش صحیح برخورد با مردم را تبیین می‌کنند: مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.

همین طرز تلقی، دال بر تساوی مردمان در نگاه حضرت است و تساوی چه در مقیاس حق و چه در مقیاس تکلیف جوهره اصلی حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهد. ایشان همچنین در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، مالک را این گونه هشدار می‌دهند: مبادا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی بخواهی! باد غرورت، جوش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت، را در اختیار خود گیر و با پرهیز از شتابزدگی و فروبردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد.

امیرالمؤمنین با ظرافتی تمام عیار در زمانی که هنوز ناپختگی سیاسی و عدم اکثریت به نقض حقوق فرودستان به عنوان اقتضای هژمونی فرادستان در میان حکمرانان ملل موج می‌زند، امتیاز مرتبه حاکم و شهروند را ناقض تساوی ذاتی آن‌ها نمی‌داند، بلکه ابزار استقرار عدل و انتظام اجتماعی می‌شمارد.

به هر تقدیر به نظر می‌رسد با توجه به جلوه‌های حقوق شهروندی در کلام وحی و نهج‌البلاغه که در ادامه نیز مورد اشاره خواهند بود، نیاز مبرمی به تبویب و ارتقای حقوق شهروندی اسلامی، با استمداد از کاوشی روشمند در مبانی و منابع اسلامی است.

پرتوی از حقوق شهروندی در قرآن کریم

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، کارآمدترین کتابها برای سعادت و بهروزی است که در تمامی شئون زندگی انسان، راهنما و کارگشا می‌باشد. کتابی که کرامت واقعی را به انسان عطا می‌کند، در آن هیچ انحرافی نیست و انسان را از ظلمات جهل، شرک و تفرقه نجات می‌دهد. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، نیمه‌ملکوتی و نیمه‌مادی، دارای فطرتی خداآشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسؤول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و... از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است؛ حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده، ولی در برابر خدای خویش وظیفه دارد (۱۰). قرآن اصول اندیشه‌هایی را که برای یک انسان با ایمان و صاحب عقیده لازم است و نیز اصول تربیت و اخلاق و نظامات اجتماعی و خانوادگی را بیان کرده و تفسیر و تطبیق اصول بر فروع را بر عهده سنت و یا اجتهاد گذاشته است (۱۱).

قرآن کریم همانند دریچه‌هایی از نور پهنه وسیعی را در برابر انسان پدیدار می‌سازد که با توجه به آن می‌توان به حقایق جهان آشنا شده و فضاهای مناسب فعالیت و زندگی را برای انسان ایجاد کرد. در این واقعیت تردید نیست که در پرتو آیات شریفه قرآن، افقی در برابر اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که چشم‌انداز آن به کلی بی‌سابقه بود. در چشم‌انداز این افق، معانی و حقایقی قابل درک و کشف است که در افق‌های دیگر نمی‌توان به آن‌ها دست یافت (۱۲).

جوهره حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و ارزش بشر در اجتماع و ترویج اصول مساوات و آزادی در بهره‌برداری از مواهب خدادادی و ملی و نیز توزین حقوق و مسؤولیت‌ها بر اساس شاخصه عدالت در فرایند تعامل شهروندان با یکدیگر و با دولت است، چراکه همه انسان‌ها از حقوق یکسانی برخوردار هستند و در اصل، همه انسان‌ها در گوهر انسانیت، فضیلت، ارزش و حیثیت ذاتی انسانی یکی می‌باشند. در آیه ۱۳ سوره حجرات این موضوع این گونه بیان شده است: ای مردم، ما همه شما را نخست از زن و مرد آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید.

کرامت انسانی، حالت اولیه و زوال‌ناپذیر هر فرد انسانی است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک نمی‌باشد؛ این کرامت حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و به اصل انسان بودن باز می‌گردد که اعطایی از سوی خداوند سبحان برای همه آدمیان

است؛ در این نوع از کرامت همه انسان‌ها برابرند و در آن نسبت به یکدیگر هیچ برتری‌ای ندارند و از این حیث در حقوق عمومی و اجتماعی با هم برابرند (۱۳).

از جمله مصادیق حقوق شهروندی آزادی عقیده و مذهب است. مطابق آیات قرآن، پیامبر اکرم (ص) مأمور ابلاغ احکام، آداب و عقاید اسلامی بودند؛ در آیه ۹۹ سوره مائده بیان شده: «بر پیامبر، جز ابلاغ (احکام الهی) نیست و خداوند، آنچه را آشکار یا کتمان می‌کنید می‌داند.» بر این اساس هر کس حق دارد هر دین و آیینی را بپذیرد، ولی باید در قیامت پاسخگوی عدم پذیرش دین حق باشد. در این رابطه آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد، از جمله سوره بقره، آیه ۶۲ که خداوند می‌فرماید: «همانا کسانی که (به اسلام) ایمان آورده و کسانی که یهودی شدند و نصاری و صابئان، هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس برای آن‌ها در نزد پروردگارشان، پاداش و اجر است و بر آن‌ها ترسی نیست و آن‌ها محزون نمی‌شوند.» همچنین در آیه ۲۹ سوره کهف می‌فرماید «بگو حق از سوی پروردگار شما رسیده است، پس هر کس خواست ایمان آورد و هر که خواست کافر شود.»

از موارد مؤکد دیگر در قرآن، حق مسکن و امنیت زندگی خصوصی است؛ مسکن تنها محل سکونت و آرامش اشخاص و اعضای خانواده آن‌ها نیست، بلکه علاوه بر آن محلی کاملاً خصوصی و به عبارتی حریم خصوصی محسوب می‌شود و از آنجا که مسکن محل آرامش و خلوتگاه اشخاص است، باید از هر گونه تعرضی مصون باشد. با توجه به این امر در قرآن مجید سوره نور آیات ۲۷ و ۲۸ آمده است: «ای کسانی که به خداوند یکتا ایمان آورده‌اید به خانه‌های دیگران وارد نشوید مگر آنکه خود را معرفی کنید و از صاحبخانه برای ورود اجازه بگیرید و به هنگام ورود بر اهل خانه سلام کنید و اگر کسی در آن خانه حضور نداشت نیز وارد نشوید تا اجازه ورود به شما داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید.» آزادی در زندگی داخلی و خصوصی یعنی مصون بودن شخص از دخالت دیگران در امر خانوادگی و زناشویی و نیز مصون بودن از تفتیش و تجسس درباره وضع جسمانی و احوال شخصی و سایر امور او. همچنین خداوند تعالی در آیه ۱۲ از سوره حجرات صریحاً بر ضرورت عدم تجسس در زندگی خصوصی اشخاص تأکید می‌فرماید. امری که به نظر می‌رسد در زندگی روزمره جوامع کنونی در ارتباط میان نظام سیاسی و به خصوص خرده‌نظام‌های سیاسی با مردم و همچنین در تقابل افراد

اجتماع با یکدیگر، خصوصاً با توجه به گسترش فناوری‌های الکترونیکی، باید مورد اهتمام بیشتری قرار گیرد.

پرتوی از حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه

نهج‌البلاغه میراثی شکوهمند در تمدن اسلامی است که درک صحیح از عمق مفاهیم و مضامین آن، الگوهای بی‌بدیلی در رهیافت حقوق شهروندی پیش روی دیدگان اهل تحقیق می‌نهد. این کتاب با نگاهی فراگیر در این مقوله، مفاهیم مختلفی را در نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها، ناظر به حقوق شهروندی، مشهود می‌سازد. دریافتی که از این مفهوم در نهج‌البلاغه به دست می‌آید، همان هدف و غایت اجرای حقوق شهروندی در نگاه حضرت است که زدودن غبار جهل از چشمان بشر و اشارت بر کوره‌راه بی‌عدالتی برای راست‌نمودن کجی‌های ره‌یافته در حق می‌باشد. موضوع حقوق اجتماعی، انصاف، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از موضوعاتی است که در نهج‌البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در کلام حضرت علی توصیه‌های فراوانی برای جامعه انسانی بیان شده است. یکی از این جلوه‌های بی‌همتا که می‌توان آن را از مبانی اصیل حقوق شهروندی در رویکرد اسلامی به شمار آورد، معانی والای متبلور در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر نخعی می‌باشد.

در این نامه، حضرت علی (ع) مالک را به رعایت عدالت و انصاف، حقوق شهروندی و حقوق بشر و مسأله مصالح عامه و رضایت عموم، تساهل با شهروند و تدارک مشارکت، توصیه می‌نماید. در واقع در نگاه ایشان به رعیت هیچ تفاوتی در احترام به کرامت آنان وجود ندارد و غیر مسلمان بودن شهروند دلیل تفاوت نگاه در اجرای عدالت یا حتی نگاه تحقیرآمیز نمی‌شود. بر این اساس رعیت، حقوقی انسانی دارد که حاکم بدون در نظر گرفتن کیش و آیین خود باید به تدارک و پاسخگویی به حوائج او پردازد (۱۴).

از آنجا که اداره‌کنندگان امور کشور پیشقروالان پاسداشت حقوق شهروندی هستند، باید شایسته‌ترین افراد را برای این امر برگزید، چراکه از کسی که شایستگی نداشته باشد، نمی‌توان انتظار اجرای حقوق شهروندی را داشت. حضرت در ادامه نامه ۵۳ در رابطه با کارگزاران دولتی می‌فرماید: «در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت

است. کارگزاران دولتی را از میان مردم با تجربه و با حیا و از خاندان پاکیزه و با تقوی که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر و آبرویشان محفوظتر و طمع‌ورزی‌شان کم‌تر و آینده‌نگری آنان بیشتر است، سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خویش بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، پس از آن، رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود.

همچنین در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بدانید هنگامی که پروردگار زمام امور شما را به من سپرد حقی برای من برگردن شما قرار داد و مانند همان حقی که مرا بر شما است شما را هم بر من است.» در واقع در نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است و در ادامه خطبه می‌فرماید: «زمانی که حق را توصیف می‌نماید و پیرامونش به گفتگو می‌پردازد عدالت در نظر شما وسیع‌ترین عرصه‌هاست، ولی هنگامی که بخواهید از روی انصاف، بین یکدیگر دادگری کنید و پای عمل در میان آید، حق، ناچیزترین نقطه‌هاست، هیچ کس را بر دیگری حقی نیست، مگر آنکه دیگری را نیز بر او حقی است.» همانطور که از منطوق و مفهوم خطبه مشخص است بین حق و تکلیف ارتباط متقابل برقرار است و این چنین نیست که عده‌ای فقط حقوقی بر عهده دیگران داشته باشند و خود تکلیف و تعهدی در برابر دیگران نداشته باشند.

حضرت در نامه شماره ۱۹ که به عمر ابن ابی سلمه ارحبی که در فارس ایران حکومت می‌کرد این چنین نوشتند: «همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من درباره آن‌ها اندیشیدم. نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند، زیرا که با ما هم‌پیمانند، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش و اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن.

در اجرای حقوق شهروندی باید شرایط امن و امان را برای ستم‌دیدگان در جامعه بر پا نمود. بر این اساس حضرت در رابطه با محرومان و مستضعفان در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «سپس خدا را، خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند و عبارتند از: زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان، پس برای خدا حقی باش که

خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می‌باشی. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کم‌تر به تو دسترسی دارند. برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتن هستند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند، سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر نیازمند عدالت هستند و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسؤولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگرچه حق تمامش سنگین است، اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند، پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو سخن کند.

برای کنکاو نگاه حضرت امیر به برپایی حکومت به عنوان مجری پیاده‌نمودن حقوق شهروندی، تنها توجه به خطبه چهارم نهج‌البلاغه، راه صواب را برای حاکمان اسلامی هویدا می‌سازد: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته و رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است.

نتیجه‌گیری

با مذاق‌های در آیات متعالی قرآن و فرازهای بی‌نظیر کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه توجه به تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به وضوح قابل مشاهده است. برخلاف آنچه که تصور می‌شود حقوق شهروندی به لحاظ ماهیت شناختی، موضوعی بدیع و صرفاً وارداتی نیست، بلکه از همان ابتدای شکل‌گیری جوامع، انسان دارای حقوقی بوده است که کم و بیش مورد توجه مکاتب بشری نیز قرار گرفته‌اند، لیکن با توسعه شهرنشینی دامنه این حقوق و توجه بیشتر به آن، افزایش یافته است. در این راستا، منابع فقهی اسلامی، نظیر قرآن کریم و نهج‌البلاغه، چشم‌اندازی تمام‌نما و نسخه‌هایی جهان‌شمول از اصول و ارزش‌هایی والا، برای ارتقای کیفی شئون زندگی انسان معرفی و توصیه می‌نمایند. یکی از توصیه‌های مهم تعلیم قرآنی به مسلمانان توجه و حرکت به سمت وحدت امت اسلامی و هم‌افزایی میان شهروندان با تکیه بر اصل تساوی و برخورداری از کرامت یکسان و حقوق برابر است.

روی سخن قرآن و سنت همواره فراتر از شهر و کشور بوده و تمامی انسان‌ها را خطاب قرار داده و از امت واحد اسلامی سخن گفته شده که این هدف جز در رعایت حقوق افراد اعم از فردی و اجتماعی و در واقع کلیه حقوقی که یک انسان می‌تواند داشته باشد، میسر نخواهد بود. در این طرز تلقی، تنها راه نجات انسان‌ها و جوامع مدنی و تبعاد از جهل، جنگ و خونریزی، نیل به درکی صحیح از فلسفه خلقت و تمیز صحیح حقوق و تکالیف انسان در زندگی فردی و اجتماعی، با تأکید بر تلازم کاربست‌های مادی و معنوی در کنار یکدیگر و تبعاً رعایت حقوق افراد و انجام تکالیف در برابر این حقوق است؛ حقوق و تکالیفی که در قرآن و آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام از جمله کلام امیرالمؤمنین، به نحو ظریفی کارسازی شده است. در رویکرد بی‌بدیل قرآن نسبت به حقوق شهروندی، کرامت، مدار حق و تکلیف و انتظام اجتماعی بستر تفاوت در سلسله مراتب وظایف و حقوق است، به نحوی که تفاوت در جایگاه‌ها، هرگز به معنای تبعیض در توزین حقوق و تکالیف نخواهد بود. قرآن با ابزارهای مختلفی نظیر تعیین ملاک‌های حاکم جامعه و شاخصه‌های حکومت، لزوم توجه یکسان به ایتم، فقرا و مساکین و راهبردهایی نظیر خمس و زکات برای ایجاد تعادل اقتصادی در میان شهروندان و توجه ویژه به آزادی دین و عقیده و لزوم پاسداشت حق آرامش، حرمت مسکن و حریم شخصی، جلوه‌های آشکاری از حقوق شهروندی را عیان می‌نماید. همچنین در نگاه حضرت علی (ع) احیای حقوق شهروندی،

با ساز و کار نصب افراد لایق که متولی اجرای این حقوق در جامعه هستند و محیانمودن محیطی امن و امان برای ستم‌دیدگان و زدودن غبار جهل از چشمان بشر و اشارت بر کوره‌راه بی‌عدالتی برای راست‌نمودن کجی‌های ره‌یافته در حق می‌باشد. آن حضرت با ذکر شاخص‌هایی برای برپاساختن این مهم، منشوری کاربردی و راه‌گشا پیش روی مجریان و مدعیان گسترش حقوق شهروندی در جامعه به نمایش می‌گذارد. با جستاری در روح و کالبد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام در نهج‌البلاغه، رد پای نظامی معرفتی و الهی در سیر عملی اندیشه‌های حضرت مشهود بوده که یقیناً بازتاب آن در روش و منش ایشان در تمامی ارکان حکومتی من‌جمله اجرای حقوق شهروندی نیز متجلی شده است.

این تحقیق با رویکردی توسعی و ارشادی، صرفاً نمایی از جایگاه والای حقوق شهروندی در منابع اسلامی را به ترسیم کشید تا زمینه تحقیقات بیشتر و عمیق‌تر را در این عرصه فراهم آورد.

References

1. Rezaei Pour A. Complete set of civil rights laws and regulations. 1th ed. Tehran: Publication Arian; 2006. p.11.
2. Dehkoda AA. Dictionary Dehkoda. 7th ed. Tehran: print publications Institute of Tehran University; 1994. p.12.
3. Mmtaz J. In the light of developments in international human rights. 1th ed. Tehran: Publication Dadgstr; 1998. p.89.
4. Gholaminia A. The anthropological effect on the ethics of citizenship. Journal of Religion and Politics Tehran 2009; 21-22: 165. [Persian]
5. Sharifi Taraz Kuhi H. Civil rights. 1th ed. Tehran: Legal Foundation Myzan; 2013. p.152.
6. Fani K, Moradi N. [Translation of Encyclopedia of democracy]. Lypsy, Martin, Symrd (Author). Tehran: Foreign Ministry Press Center; 2004. p.950. [Persian]
7. Akbar HR. At the rights of citizenship. 1th ed. Tehran: publications Alktrvnyky; 2013. p.1382.
8. Comptons Encylopedia. 15nd ed. USA: Encylopedia Britannica Press; 2004. vol.5 p.438-439. [English]
9. Katozean N. Introduction of law. 1th ed. Tehran: Corporation Antshar; 1998. p.370-372.
10. Motahari M. Introduction to Its Global Islamic ideology. 12th ed. Qom: Sadra Publications; 1999. p.252.
11. Motahari M. Introduction to the Qur'an. 10th ed. Tehran: Imam Sadiq University; 1999. p.13.
12. Ebrahimi Dinan GH. Philosophical Thoughtstory in the Muslim world. 1th ed. Tehran: Tarh Nu Publishers; 1998. vol.3 p.37.
13. Ead Allah Pour B. Human dignity in the Quran. 1th ed. Qom: Eddiean publication; 2012. p.58.
14. Javed MJ. Human rights and citizenship in the vote Shi'a Imams. 1th ed. Tehran: Publication mkhatb; 2014. p.14.